

راز فیلم سیاه گرفتن زوج جوان از زن مطلقه چه بود؟

۲ داستان عجیب در ماجرای ۱۲ هزار «دوج کوین»

گروه حوادث - زوج جوانی که به اتهام گروگان گرفتن یک زن دستگیر شده بودند در بازجویی ها مدعی شدند طراح گروگان گیری خود این زن بوده تا مهریه اش را از شوهر سابقش بگیرد. چند روز قبل زن جوانی سوار بر یک خودروی پژو ۲۰۷ مقابل یکی از کلاسترهای شمال تهران توقف کرد و سراسیمه وارد آنجا شد. او به افسر نگهبان گفت: زوج جوانی مرا ربوده بودند اما من موفق شدم با خودروی آنها فرار کنم. زن جوان در ادامه گفت: از همسرم مدتی است که جدا شدم و به تنهایی زندگی می کنم. امروز زنگ خانه را زدن و گفتند غذای نذری آورده اند. وقتی در

را باز کردم زوج جوانی که پشت در بودند ناگهان به زور وارد شدند و در یک لحظه دستمالی روی دهانم گذاشته و مرا بی هوش کردند ساعتی بعد وقتی به هوش آمدم دست و پایم بسته بود. زن و مرد ناشناس به من گفتند همسر سابقم ۱۲ هزار دوج کوین آنها را برداشته و به ترکیه فرار کرده است اما وقتی برای گرفتن طلبشان به ترکیه رفتم و شوهر سابقم را پیدا کرده اند او مدعی شده تمام اموالش را من به عنوان مهریه تصاحب کرده ام. حالا هم آنها به سراغ من آمده اند تا طلبشان را بگیرند. اما من به آنها گفتم که حتی یک ریال هم مهریه و هیچ پولی از شوهر سابقم نگرفته ام.

بسیار اعلام موضوع به بازپرس امیرحسین مردانی

او قاتل ۵ زن بود:

مرگ "چکش" قاتل در ۹۵ سالگی



گروه حوادث - هاروی کاریگنان، جنایتکار مخوف آمریکایی که به اتهام قتل زنان و دختران به حبس ابد محکوم شده بود، در ۹۵ سالگی به کام مرگ فرورفت. این مرد که گفته می شود بیش از ۵۰ زن را به قتل رسانده به دلیل سبک جنایاتش به «چکش» معروف بود. جنایاتی که «هاروی چکش» مرتکب شد، از سال ۱۹۴۹ و در آلاسکا شروع شد. در آن زمان هاروی که در ارتش خدمت می کرد به اتهام تجاوز به یک زن و قتل هونلک او و همچنین تجاوز به یک زن دیگر دستگیر شد. او در اداره پلیس به قتل و تجاوز اعتراف کرد و در دادگاه به اعدام محکوم شد، اما تنها ۲ سال بعد، از مجازات مرگ تبرئه شد؛ چراکه مدتی پس از صدور حکم، مدعی شد که بی گناه است و افسر بازجو به او گفته بود که اگر به قتل اعتراف کند، اعدام نمی شود و وی به همین دلیل به ارتکاب قتل اعتراف کرده بود. این ادعای هاروی پس از بررسی های انجام شده در دادگاه پذیرفته و او از اتهام قتل درجه یک و مجازات مرگ تبرئه شد، اما باید به اتهام تجاوز به یک زن دیگر در زندان می ماند. زندان آلتا تراس هاروی برای تحمل دوران حبس به یکی از مخوف ترین و معروف ترین زندان های آمریکا یعنی آلتا تراس منتقل شد. او ۹ سال را در این زندان سپری کرد تا اینکه با درخواست آزادی مشروط و موافقت وی از زندان آزاد شد. اما آزادی این مرد جنایتکار دوام چندانی نداشت و او بار دیگر به زندان بازگشت؛ چراکه تنها چندماه بعد از آزادی مشروط به اتهام سرقت دستگیر و به ۴ سال حبس محکوم و به زندان بازگردانده شد تا اینکه در ۲ مارس ۱۹۶۴ با پایان یافتن دوران محکومیتش، آزاد شد. اما این بار هم آزادی او فقط چندماه دوام داشت و وی به اتهام سرقت در واشنگتن دستگیر شد و بار دیگر به زندان افتاد. هاروی چند سال دیگر را هم در زندان گذراند تا اینکه او در دسامبر ۱۹۶۰ میلادی آزاد شد. قتل های سریالی چند سال از آزادی چندباره هاروی گذشته بود که در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۲، جسد دختری ۱۹ ساله به نام لژلی لورا براک در واشنگتن پیدا شد. او با ضربات متعدد جسمی سخت که به سرش وارد شده بود به قتل رسیده بود. کمتر از یک سال پس از این جنایت، کتی سومر ۱۵ ساله با شگردی مشابه به قتل رسید. او اوایل سال ۱۹۷۳ ناپدید شد و چند روز بعد جسدش در منطقه ای در خارج از شهر توسط ۲ جوان که برای پیاده روی به آنجا رفته بودند، پیدا شد. این دختر نوجوان نیز بر اثر اصابت ضربات هولناکی که به سرش وارد شده بود به قتل رسیده بود. نجات یافته چندماه از دومین جنایت گذشته و پلیس معتقد بود که قاتل هر دو دختر یک نفر است. در این مدت شاهدی پیدا شد که مدعی بود یکی از قربانیان را آخرین بار سوار بر خودروی مردی به نام هاروی دیده است؛ هر چند هاروی به عنوان مظنون بازداشت شد، اما ادعا کرد که بی گناه است و در نهایت نیز پلیس وی را آزاد کرد. چندماه از این ماجرا گذشته بود که این بار دختری ۱۳ ساله هدف حمله قاتل سریالی قرار گرفت، اما توانست نجات پیدا کند.

او که به شدت مجروح شده بود به پلیس گفت که مرد جنایتکار پس از حمله به وی، او

را مورد تعرض قرار داده و با چکش به سرش زده و بعد هم وی را رها کرده و گریخته است. مشخصاتی که دختر نوجوان از ضارب داد، همان مشخصات هاروی بود، اما هیچ اثری از این مرد نبود. قتل همسر پلیس در جریان تحقیقات خود متوجه شد که هاروی در سال ۱۹۷۴، با زنی ۲۹ ساله به نام آیلین هانلی ازدواج و زندگی مشترکش را در مینه سوتا آغاز کرده اما تنها چندماه پس از این ازدواج، همسرش او را ترک کرده است. این زن مدتی پس از جدایی از هاروی ناپدید شد تا اینکه ۵ هفته بعد، جسدش در اطراف شهر پیدا شد. روی جسدش آثار اصابت ضربات چکش وجود داشت و پلیس حدس می زد که قاتل وی کسی نیست جز هاروی که حالا تبدیل به یک قاتل سریالی شده بود. قاتل مخوف که هنوز بازداشت نشده بود، به جنایات خود ادامه می داد. او در این مدت به چند دختر نوجوان حمله و به آنها تجاوز کرد، اما همه قربانیانش زنده ماندند تا اینکه در ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۴، دختری به نام کاترین شولتز ۱۸ ساله ناپدید و یک روز بعد جسد او در یک مزرعه ذرت پیدا شد. او بر اثر اصابت ضربات متعدد چکش به سرش به قتل رسیده بود. چند روز پس از این جنایت بود که پلیس موفق به دستگیری قاتل سریالی شد. هاروی که حالا از سوی رسانه ها به «چکش» معروف شده بود، ادعای جنون کرد و گفت که برای ارتکاب قتل هایش به او الهام شده است؛ این در حالی بود که روانشناسان پس از معاینات انجام شده اعلام کردند که وی دارای اختلالات روانی و شخصیت ضد اجتماعی است. به این ترتیب دادگاه او را به حبس ابد محکوم کرد و این جنایتکار مخوف بار دیگر به زندان منتقل شد تا اینکه چند روز پیش در سلولش به کام مرگ فرورفت. مسئولان زندان مدعی شده اند که وی دچار مرگ طبیعی شده و به این ترتیب پرونده سیاه او برای همیشه بسته شد.



با توجه به اظهارات متناقض زن جوان و این زوج تهران، زوج جوان بازداشت شده و تحقیقات در رابطه با بررسی ادعایشان ادامه دارد.

سرنوشت تلخ زن مشهدی که زن چهارم شد!

یکی از دوستانش اداره می کرد. هنوز مدت زیادی از حضورم در رستوران نمی گذشت که روزی برای استراحت به اتاقی رفتم که داخل رستوران بود اما ناگهان «نعیم» با حالتی غیر طبیعی و مست به درون اتاق آمد و قصد داشت تا مرا مورد تعرض قرار دهد ولی من که متوجه افکار پلید و شیطانی او شده بودم با جیغ و فریادهای بلند از دیگر افراد حاضر در رستوران کمک خواستم در این هنگام بود که «عابد» (دوست نعیم) با شنیدن صدای جیغ های من، سراسیمه خودش را به داخل اتاق رساند و مرا از چنگ «نعیم» رها ساخت. آن روز تصمیم گرفتم تا از «نعیم» شکایت کنم اما «سعید» مانع شد و ادعا کرد که «نعیم» به من علاقه دارد و از او خوسته تا از من خواستگاری کند. خلاصه با اصرار سعید و به طور پنهانی به عقد موقت نعیم در آمدم تا از این بی کسی و بی سروسامانی نجات یابم و هم این که به قول «سعید» حامی و پشتیبانی در زندگی داشته باشم. چرا که «نعیم» متاهل بود و نمی خواست خانواده اش در جریان ازدواج او قرار بگیرند! بعد از ازدواج با «نعیم» روزهای خوبی را سپری می کردم تا این که متوجه شدم جادوگر هستم. وقتی موضوع را به همسرم گفتم او نه تنها خوشحال نشد بلکه اصرار داشت که من باید جنینم را سقط کنم! ولی من نمی توانستم جان یک موجود را بگیرم و از سوی دیگر هم خیلی دوست داشتمم فرزندی داشته باشم.

گروه حوادث - زمانی که داروها را بعد از سقط جنین به پزشک معالجم نشان دادم او با تعجب نگاهی به من انداخت و گفت من اصلا این داروها را برای شما تجویز نکرده ام این ها عناوین داروهای غیر مجاز است که برای سقط جنین و به صورت کاملاً غیر قانونی به فروش می رسد که عاملان توزیع آن نیز به مجازات سختی محکوم می شوند.

این ها بخشی از اظهارات زن ۳۰ ساله ای است که برای شکایت از جنین کشی همسرش به کلاستر طبرسی شمالی مشهد مراجعه کرده بود. این زن جوان که مدعی بود به طور مخفیانه صبیغه مردی شده است که اکنون حتی بارداری مرا نیز انکار می کند درباره سرنوشت تلخ خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاستر گفت: از همان دوران نوزادی به بیماری دیابت مبتلا بودم و برای همین هزینه های درمانی زیادی را روی دوش پدر کارگرم می گذاشتم ۳ خواهر و برادرم نیز با همین درآمد کارگری پدرم از دواج کر دند و به دنبال سرنوشت خودشان رفتند اما من در حالی که وارد پانزدهمین بهار زندگی ام شده بودم ناگهان مادرم را از دست دادم و روزگرم سیاه تر شد چرا که من از همان دوران کودکی نقص عضوی در چهره ام داشتم و همه اطرافیان و نزدیکانم مرا دختری «زشت روی» می پنداشتند اگر چه سعی می کردم به این حرف ها توجهی نکنم ولی خودم را فریب می دادم چون واقعا زیبایی ظاهری از نظر چهره نداشتمم با وجود این تا مقطع دیپلم درس خواندم. هنگامی که ورود به ۱۷ سالگی را جشن می گرفتم و در کلاس سوم دبیرستان تحصیل می کردم مرد ۳۳ زنه ای به خواستگاری ام آمد که همه زن های او نازا بودند و باردار نمی شدند.

«قربان محمد» که دوست داشت به هر طریقی صاحب فرزند شود با پولی که به عنوان شیریه ها به پدرم در ما به عقد خودش در آورد تا برای او فرزندی به دنیا بیورم که به قول خودش کسی پای نابوتش را بگیرد! «قربان محمد» مردی بازاری بود و درآمد بالایی داشت اما من هم بعد از ۵ سال زندگی مشترک با او صاحب فرزندی نشدم به همین دلیل «قربان محمد» نزد پدرم رفت و در حالی با پرداخت مبلغی پول اجازه طلاق مرا گرفت که پدرم نیز با زن دیگری ازدواج کرده بود و به این پول نیاز داشت بالاخره «قربان محمد» مرا طلاق داد و من دوباره به خانه پدرم بازگشتم اما این بار او ضاع فرقی می کرد نه تنها کسی مانند مادرم نبود که ناز مرا بکشد بلکه مادرخوانده ام مدام غم می زد و مرا تحقیر می کرد که چرا مزاحم آرامش و آسایش او نشده ام در این شرایط پدرم به ناچار مبلغی را برای رهن منزلم پرداخت تا از شر من خلاص شود. حدود یک سال به تنهایی در منزل رهنی زندگی کردم و در پی یافتن شغلی بودم که با معرفی یکی از دوستانم به رستورانی رفتم تا آن جا کار کنم. مالک رستوران نیز مرد جوانی بود که خودش آن جا را با

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

<p>صنایع چوب</p> <p>شرکت کهن چوب تولیدکننده انواع درب های چوبی برای کلیه پروژه ها مسکونی ، تجاری ، هتلی ، و اداری</p> <p>جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک ۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۸۶ ۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹</p> <p>www.kohanchoob.ir</p>	<p>مبل شویی</p> <p>مبل شویی سیار</p> <p>شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش</p> <p>با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت در اسرع وقت ۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳ ۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰</p>	<p>پیش فروش واحد مسکونی</p> <p>پیش فروش برج های مسکونی ساحلی با امکانات هتل ۵ ستاره متر از و طبقات مختلف بهروز مرادی ۰۹۳۴۷۶۹۵۲۱۴ ۰۹۳۷۷۶۹۵۳۹۴</p>	<p>سم پاشی</p> <p>شرکت کیمیا سم کیش</p> <p>مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳</p>
<p>صنایع چوب حلاج کیش</p> <p>کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کلیه خدمات عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<p>خدمات برق</p> <p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>حمل کالا</p> <p>حمل و جابجایی کالا</p> <p>با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>
<p>دوربین مدار بسته</p> <p>دوربین های مدار بسته درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<p>نیازمندیهای اقتصادی کیش</p> <p>۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰</p>	<p>مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان</p> <p>شرکت کیمیا سم کیش ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳</p>	

مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان

شرکت کیمیا سم کیش

۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳